

# روایتی از تنبیه شدید بدنی دانشآموز تهرانی

«اعتماد» به بهانه تماس پرتکرار والدین با این روزنامه درباره تنبیه بدنی دانشآموزان این تخلف آشکار را در گفتوگو با کارشناسان بررسی می‌کند

بر اساس پایش شبکه‌های اجتماعی که لایفوب در اختیار «اعتماد» قرار داده، بیش از ۱۱۲ هزار کاربر توئیتر درباره تنبیه دانشآموزان محتوا تولید کرده‌اند

محمد باقرزاده

مردی که می‌گوید ۱۴ سالگی جبهه رفته و در نهایت با جانبازی اعصاب و روان برگشته با روزنامه تماس می‌گیرد و از برخوردی غیرقانونی با فرزند حدود ۱۳ ساله‌اش می‌گوید؛ روایت مربوط به روز ۳۰ آبان در یکی از مدارس متوسطه اول شاهد در غرب تهران است اما پدر این دانشآموز هم حدود یک هفته بعد و پس از فروکش کردن آثار این تنبیه شدید و پایان واکنش‌ها از ماجرا مطلع می‌شود و پس از آن هم به خواست همسرش در مدرسه حضور نمی‌یابد اما تلفنی پیگیر شکایت به مسوولان و نهادهای مختلف می‌شود؛ از تماس با روزنامه گرفته تا گزارش تلفنی به حراست آموزش و پرورش، بنیاد شهید و مشورت با وکیل خانوادگی. خلاصه ماجرا به این صورت است که در یک روز عادی مدرسه و زمانی که

فرزند این خانواده با نام مستعار «مهدی» در حال بازی با سه نفر از هم‌کلاسی‌هایش بود و آنها داشتند با بغل‌کردن همدیگر؛ به عبارت کودکانه خود، مشغول وزن‌کردن همدیگر بودند، یکی از ناظم‌های مدرسه سر می‌رسد و سیلی محکمی به گوش مهدی می‌زند. هنوز اعتراض نکرده، ناظم به سمت دیگر صورتش هم سیلی محکم دیگری روانه می‌کند و درحالی که هنوز جمله اعتراضی‌اش کامل نشده با ضربه محکم پای ناظم به کمرش مواجه می‌شود. مهدی به خانه که می‌رسد ماجرا را با مادرش در میان می‌گذارد و مادر هم به دلیل نگرانی از فشار عصبی که ممکن است به همسر جانبازش وارد آید و به دلیل نگرانی از آثار این فشار روانی، ماجرا را به مدت یک هفته از همسر می‌پوشاند و زمانی که آثار این تنبیه شدید فیزیکی کاهش می‌یابد، روایت روز حادثه را برای همسرش تعریف می‌کند. این خلاصه‌ای از روایت این خانواده در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه اعتماد است که با وجود پیگیری و انتظار سه هفته‌ای خبرنگار این روزنامه برای شنیدن و پوشش روایت مسوولان وزارت آموزش و پرورش، تا لحظه تنظیم این گزارش مسوولان این وزارتخانه حاضر به توضیح و اعلام نتیجه بررسی خود نشدند. اگرچه در ادامه به جزئیات این پرونده پرداخته می‌شود اما باید تاکید شود که ماجرای تنبیه بدنی دانش‌آموزان ایران به همین چندخط خلاصه نمی‌شود و حتی در فاصله تماس این خانواده با خبرنگار اعتماد تا زمان بررسی پرونده و صحت‌سنجی ماجرا، دست‌کم دو خبر دیگر از تنبیه بدنی دانش‌آموزان خبرساز شد و به صدر اخبار اجتماعی رسید؛ یکی در شیراز و دیگری هم در منطقه‌ای دیگر از تهران. گزارش پیشرو با روایت جزئیات یکی از این موارد و تشریح روند طی‌شده برای صحت‌سنجی این پرونده، به بررسی تنبیه بدنی یا روانی دانش‌آموزان ایرانی می‌پردازد و در گفت‌وگو با کارشناسان از دلیل شدت یافتن این پرونده‌ها و همچنین راه‌های پیشگیری می‌نویسد. بخش دیگری از گزارش هم به شرایط کنونی قوانین کشور در این باره می‌پردازد و در پایان هم نتایج یک پایش که به درخواست خبرنگار اعتماد از سوی «لایفوب» انجام شده، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ پایشی در شبکه‌های اجتماعی که نشان می‌دهد تنبیه دانش‌آموزان در مدارس به یکی از دغدغه‌های اصلی والدین و خانواده‌های ایرانی تبدیل شده و به عنوان مثال بیش از ۱۱۰ هزار کاربر یکتای ایران در شبکه اجتماعی توییتر در این باره محتوا تولید کرده یا از تنبیه خود یا نزدیکانش نوشتند. تنبیه بدنی و روانی دانش‌آموزان ایرانی در مدارس از کجا نشأت می‌گیرد، چگونه قابل پیشگیری است و پرونده‌های قضایی شکل‌گرفته چه داده‌ای به ناظران می‌دهد؟

## روایت سه هفته پرتنش يك كودك در مدرسه شاهد

تصاویر کودکی که در این گزارش «مهدی» نامیده می‌شود، شدت تنبیه این کودک را چندساعت پس از حادثه تصویر می‌کند؛ صورت سرخ و ورم‌کرده، زخم زیرچشم و بینی آسیب‌دیده اگرچه در عکسها مشخص است اما پدر و مادر مهدی می‌گویند او شب اول از شدت درد کمر نتوانست بخوابد و آثار تنبیه بیش از موارد تصویرشده است و هم‌زمان هم تاکید می‌کنند که نگرانی اصلی‌شان زخم‌های احتمالی روانی است. پدر مهدی که در این مدت دست‌کم پنج تماس با خبرنگار اعتماد داشته و نتیجه پیگیری‌های خود را روایت می‌کرد، در تماس آخر درخواست داشت نامی از خانواده، مدرسه و فرزندشان در گزارش روزنامه منتشر نشود و دلیل آن را هم نگرانی مادر این کودک از آثار احتمالی پس از رسانه‌ای کردن پرونده عنوان کرده بود. روایت و دلیل مادر مهدی اما به این صورت بود که «مهدی باید یکسال دیگر در این مدرسه باشد و شرایط خاصی هم دارد، می‌ترسم پس از گزارش اذیت شود و مثلاً قبلاً پیش آمده که پس از اعتراض والدین به چنین مواردی، نمره انضباط را پایین رد کنند.» در یکی از تماس‌های آخر اما مشخص می‌شود که این نگرانی قابل‌اعتنا هم بوده و نمره انضباط مهدی پس از این اعتراض‌ها، ۱۳ رد شده است. پیگیری این خانواده از بنیاد شهید به عنوان نهاد اثرگذار بر مدارس شاهد هم تاکنون بی‌نتیجه مانده و از طرفی مسوولان حراست آموزش و پرورش و شماره‌های تماس رسمی این وزارتخانه هم پاسخ مشخصی به این خانواده نداده‌اند. پیگیری خبرنگار اعتماد از مسوولان مرتبط و به‌خصوص سخنگوی وزارت آموزش و پرورش هم با وجود تاخیر سه‌هفته‌ای در انتشار گزارش برای پوشش توضیحات این وزارتخانه، بی‌نتیجه مانده و مسوولان مرتبط حاضر به توضیح در این باره نشدند. درباره جزئیات همین مورد خاص، خبرنگار اعتماد يك هفته پس از حادثه و با کسب اجازه از والدین مهدی و همچنین در حضور آنها، با این دانش‌آموز هم گفت‌وگو داشته که خلاصه روایتش رایج بودن چنین تنبیهاتی در این مدرسه است: «ما با رفیق‌مون توی حیاط بودیم و همین‌جور داشتیم همدیگر را وزن می‌کردیم که ناگهان متوجه شدیم ناظم پشت سر ما ایستاده و تا گفتم چی شد، یکی زد زیر صورتم و بعد هم یکی دیگه زد و اعتراض که کردم يك لگد به کمرم زد. من بهشون گفتم حق نداری بزنی توی صورت من و گفت دوس دارم بزنی توی صورتت که دندان‌هات بریزه تو حلقه، او امروز فقط منو زد اما بقیه روزها خودم دیدم که بقیه بچه‌ها را زد. مثلاً حدود یه ماه از مدرسه گذشته بود و بچه‌ها داشتن آب‌بازی می‌کردن که خودم دیدم یکی از بچه‌ها را گرفت زیر چك و لگد... سه چهار باری بچه‌ها یا

خانواده‌ها پیش‌مدیر مدرسه رفتند ولی کاری نکردن تا الان.» همچنان که پیش‌تر عنوان شد «مهدی» نام مستعاری برای معرفی این دانش‌آموز در این گزارش است و به خواست خانواده تاکید می‌شود که نام دانش‌آموز، مدرسه، ناظم و تصاویر این کودک پس از تنبیه بدنی نزد خبرنگار اعتماد محفوظ است و در صورت نیاز در اختیار مسوولان مرتبط قرار خواهد گرفت.

این روایت تنها بخشی از شرایط يك خانواده پس از تنبیه بدنی فرزندشان در مدرسه است که پس از گذر سه هفته هنوز شرایط آنها به حالت عادی بازنگشته و معلوم نیست آثار روانی آن تا کی برقرار باشد؛ برای درک دقیق‌تر وضعیت خانواده‌های ایرانی در پرونده تنبیه دانش‌آموزان باید روایت بالا را به چند هزار خانواده دیگر هم تعمیم داد: سالانه چندین هزار کودک ایرانی در مدرسه به حدی تنبیه می‌شوند که کار به شکایت و تشکیل پرونده قضایی یا حقوقی کشیده می‌شود. پیش از بررسی آمارها در این زمینه اما خوب است بررسی کنیم که براساس قوانین موجود، تنبیه بدنی یا روانی دانش‌آموز دقیقا چه تعریفی دارد و مسوولان مدرسه، از معلم تا ناظم و رییس، چه حق و مسوولیتی درباره تشویق و تنبیه کودک دارند؟

## **هرگونه تنبیه قدغن؛ نگاهی به قوانین کنونی ایران درباره تنبیه دانش‌آموزان**

تنبیه روانی و فیزیکی دانش‌آموزان ایرانی عمری طولانی دارد و تقریبا ماهی نیست که یکی از موارد شدید این تنبیهات خیرساز نشود؛ اگرچه تا حدود يك دهه پیش تقریبا تمام دانش‌آموزان ایرانی به نحوی قیچی کردن موی سر خود در جمع و صف مدرسه را تجربه یا ترس آن را تحمل کرده  بودند، اما این خشونت عادی در پسران، در چند مورد به مدارس دخترانه هم رسید و همین دو سال پیش فیلمی از کوتاه کردن موی دانش‌آموزان دختر در مدارس ابتدایی اهواز جنجال‌برانگیز شد.

به عنوان مثال آیین‌نامه انضباطی دانش‌آموزان که 17 ماده و هشت تبصره دارد در پانصد و چهل و چهارمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در تیر ۱۳۷۱ تصویب و با امضای محمدعلی نجفی، وزیر وقت آموزش و پرورش ابلاغ شد. از سال ۷۱ تاکنون اما چندین هزار پرونده قضایی برای تنبیهات بدنی دانش‌آموزان شکل گرفتند و در چند هزار مورد دیگر هم پیش از شکایت ماجرا به‌طور موقت خاتمه یافت؛ تنبیهاتی که چه منجر به حکم قضایی و محکومیت معلمان متخلف شود و چه حتی اصلا به مرحله شکایت نرسد، در نهایت اثر روانی خود را به

جای خواهد گذاشت و شاید تا دوران کهنسالی هم زندگی و روان انسان‌هایی را که روزی دانش‌آموز بودند، تحت تاثیر قرار دهد. این آیین‌نامه اما دقیقاً چه می‌گوید و در چه سطحی تنبیه دانش‌آموز را ممنوع کرده است؟ به عنوان مثال ماده ۷۷ این آیین‌نامه انضباطی «اعمال هرگونه تنبیه از قبیل اهانت، تنبیه بدنی و تعیین تکالیف درسی جهت تنبیه» را ممنوع اعلام کرده است. اما این آیین‌نامه چه سطحی از تنبیه را مجاز شمرده است؟ براساس ماده ۷۴ این آیین‌نامه «قصور و سهل‌انگاری دانش‌آموزان نسبت به انجام وظایف خود تخلف محسوب می‌شود. مدیر، شورای مدرسه، معاونان و مربیان موظفند قبل از اعمال هرگونه تنبیه از وضع و موقعیت محصل آگاهی یابند و در جست‌وجوی انگیزه و علت تخلف برآیند و نسبت به رفع آن اقدام کنند». با این توضیح اما پس از طی این مراحل و در صورتی که روش‌های تربیتی در دانش‌آموز موثر نباشد، در این صورت ماده ۷۶ آیین‌نامه انضباطی انواع تنبیه برای دانش‌آموزان را تعیین کرده است. براساس این ماده «دانش‌آموزان متخلفی که راهنمایی‌ها و چاره‌جویی‌های تربیتی در آنها مفید و موثر نمی‌افتد، با رعایت تناسب به یکی از روش‌های زیر مورد تنبیه قرار می‌گیرند: ۱- تذکر و اخطار شفاهی به‌طور خصوصی؛ ۲- تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش‌آموزان کلاس مربوط؛ ۳- تغییر کلاس، در صورت وجود کلاس‌های متعدد در یک پایه با اطلاع ولی دانش‌آموز؛ ۴- اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش‌آموز؛ ۵- اخراج موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش‌آموز، حداکثر برای مدت سه روز؛ ۶- انتقال به مدرسه دیگر.» اگرچه این چند ماده به خوبی شرایط قانونی ایران درباره تنبیه بدنی دانش‌آموزان را آشکار می‌کند و هرگونه تنبیه فیزیکی یا بدنی را ممنوع می‌شمارد، اما چند قانون عمومی دیگر مانند قانون حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان مصوب سال ۹۹ هم به شیوه‌ای دیگر این تنبیهات را جرم‌انگاری کرده است. در چنین شرایطی اما پرسش جدی دلیل این همه تنبیه در مدارس ایران است؛ چرا چنین جرمی تا این اندازه رایج شده و چرا معلمان و مدیران مدارس دست به چنین تخلفاتی می‌زنند؟ پیش‌تر تعدادی از این معلمان خاطی آن هم در شرایط خیرساز شدن تنبیه صورت گرفته از سوی آنها در گفت‌وگو با نویسنده این گزارش دلایلی مانند «غیراستاندارد بودن نسبت معلم به دانش‌آموز در ایران و فشار شدید روانی به معلمان»، «تفاوت درباره شیوه تربیتی برخی خانواده‌ها با شرایط چنین قوانینی» و همچنین «تربیت تنبیه‌محور بعضی از کودکان در دوران کودکی از سوی والدین» و موارد مشابهی را مطرح کرده‌اند؛ توضیحاتی که اگرچه جرم و تخلف آشکار تنبیه بدنی دانش‌آموزان را توجیه نمی‌کند، اما تا اندازه‌ای دلیل گستردگی و همه‌گیری آن را روشن و بر ضرورت

پژوهش‌های کارشناسانه و دقیق درباره ریشه‌های تنبیه تاکید می‌کند. حال که غیرقانونی بودن چنین تنبیهاتی آشکار شده، نگاهی به شرایط کنونی مدارس ایران و وضعیت آماری تنبیه بدنی دانش‌آموزان داشته باشیم؛ سالانه چند دانش‌آموز ایرانی در مدرسه تنبیه می‌شوند و چه مقدار از این تنبیهات منجر به شکایت و تشکیل پرونده حقوقی و قضایی می‌شود؟

## سالانه چندین هزار پرونده قضایی؛ شدت یافتن شکایتهای رسمی تنبیه را کاهش می‌دهد؟

پیش از هر چیز باید تاکید کرد که مانند بسیاری دیگر از آمار و ارقام مرتبط با حوزه آموزش و پرورش، همچنان تعداد پرونده‌های شکایت دانش‌آموزان و والدین آنها از مدرسه نامشخص است و این آمار به صورت دقیق و منظم منتشر می‌شود. خبرنگار نویسنده این گزارش در ماه‌های گذشته به اشکال مختلف پیگیر انتشار این آمار بوده و از طریق مسوولان رسمی و همچنین سامانه‌های رسمی درخواست خود را مطرح کرده اما تا لحظه تنظیم این گزارش پاسخی نیافته است. البته پیش از این و در سال ۹۶ مدیرکل وقت ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات آموزش و پرورش درباره آمار تنبیه بدنی دانش‌آموزان به نویسنده این گزارش گفته بود که «در سال ۹۴ و ۹۵ هم به روال قبل شکایتهایی داشتیم. در سال ۹۳ جمع شکایات در ارتباط با تنبیه بدنی ۱۲۴۹ بوده است و آنچه در سال ۹۴ گزارش شده، ۶۷۵ مورد بوده که از جمع ۱۹۲۴ مورد، ۱۲۷۴ شکایت بحق و ۶۵۰ مورد از آنها ناحق بوده است.» بررسی دیگر اظهارات رسمی هم نشان می‌دهد که در سال نزدیک به هزار تا نهایتاً ۵ هزار شکایت شکل می‌گیرد که در بسیاری از موارد حق با شاکی است. این آمار اگرچه دقیق نیست اما دست‌کم این موضوع را آشکار می‌کند که تنبیه بدنی دانش‌آموزان یکی از معضلات کنونی آموزش و پرورش در ایران است هرچند که بسیاری از تنبیهات و از جمله تنبیهات روانی به مرحله شکایت نمی‌رسد یا اگرچه از سوی والدین هم شکایتهای انجام گیرد بعید است که قابل اثبات باشد. به این بحث باید این نکته را هم اضافه کرد که در بسیاری از مناطق ایران همچنان والدین با بسیاری از تنبیهات فیزیکی و روانی کنار می‌آیند و جز در موارد به‌شدت خشن تن به شکایت نمی‌دهند و جمع‌بندی این است که آمار تنبیهات بسیار بیشتر از همین چند آمار اعلام‌شده در سال‌های گذشته است. در چنین شرایطی اما واکنش افکار عمومی به این تنبیهات چگونه است و تا چه اندازه این موضوع به دغدغه عمومی تبدیل شده است؟ شاید بررسی محتوای تولیدشده در شبکه‌های اجتماعی

پاسخ این پرسش را دربر داشته باشد.

## تولید محتوای بیش از ۱۱۰ هزار کاربر تویتر

### آزار دیدن کودکان دغدغه عمومی است؟

براساس پایشی که «لایف وب» به درخواست «اعتماد» انجام داده، تنبیه دانش‌آموزان یکی از دغدغه‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی است و این دغدغه نه به صورت ساماندهی‌شده و بر اثر جو و فضای این شبکه‌ها که به صورت دغدغه شخصی برجسته شده است. در این پایش محتوای تولیدشده در ۱۰ سال گذشته بررسی شده که یکی از یافته‌های مهم آن تولد محتوا از سوی ۱۱۰ هزار کاربر شبکه اجتماعی تویتر یا ایکس است؛ عددی که به خوبی دغدغه عموم را نشان می‌دهد و در کمتر موضوعی این سطح از گستردگی و دغدغه عمومی دیده می‌شود. مولفه‌های دیگر هم این واکنش و نگرانی عمومی را نشان می‌دهد که با توجه به شفافیت جدول و نمودار ترسیم‌شده، بیش از این به تشریح این موضوع پرداخته نمی‌شود.

### روایت و راهکار دو سکاندار پیشین وزارتخانه

خلاصه موارد بالا و همچنین یافته‌های خبرنگار «اعتماد» از گسترش تنبیه بدنی و روانی دانش‌آموزان ایرانی حکایت دارد و بررسی شبکه‌های اجتماعی هم نشان می‌دهد که این مساله تبدیل به دغدغه والدین و خانواده‌های ایرانی هم شده است. در چنین شرایطی راه‌حل چیست و چگونه می‌توان این روند آسیب‌زا را متوقف یا چاره‌جویی کرد؟

«علی‌اصغر فانی» وزیر پیشین آموزش و پرورش ایران در پاسخ به پرسش خبرنگار «اعتماد» و درباره شیوه مقابله و پیشگیری با تنبیه دانش‌آموزان از بی‌اثر بودن مولفه ترس در سیستم تربیت امروز می‌گوید: «پدران، مادران و همچنین دست‌اندرکاران تربیت (مدیر، معاون، مربی تربیتی و معلمین) بدانند که رمز تربیت مربیان، دارا بودن «قدرت نفوذ» در اولیا و مربیان بر دانش‌آموزان است. لازمه قدرت نفوذ، جلب اعتماد مربیان است. پدر، مادر و مربیان اگر از دید دانش‌آموزان صداقت، شایستگی، ثبات رای، وفاداری و روراستی داشته باشند مورد اعتماد بوده و ایشان قدرت نفوذ بر دانش‌آموزان را خواهند داشت. در این حالت است که دانش‌آموزان به جای ترس از معاون (ناظم) مدرسه با او «رودربایستی» دارند و حفظ جایگاه خود را در ذهن ناظم با اهمیت می‌شناسند.» او همچنین به موضوع هوش هیجانی و نسبت آن به تربیت درست اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «جا دارد، اشاره‌ای به هوش هیجانی (EQ) داشته باشیم. با هوش شناختی

(IQ) کم و بیش آشنایی دارید. گاردنر هوش هیجانی عبارت است از میزان توانایی درک دیگران و فهم آنچه در آنها انگیزه ایجاد می‌کند و اینکه چگونه با آنها همکاری کنید. IQ ذاتی است و تا سن 15 سالگی رشد می‌کند و متوقف می‌شود در حالی که EQ اکتسابی بوده و رشد آن تا آخر عمر می‌تواند ادامه یابد. برای سازگاری با محیط دایما در حال تغییر از جمله هوش مصنوعی و تاثیر بر زندگی مردم و روابط فردی و گروهی و... تفاوت نسلی شایسته است. وزارت آموزش و پرورش برنامه جامع آموزش اولیا، معلمان و دانش‌آموزان را طراحی و با دقت و حساسیت، آنها را برای ورود به محیط و تعامل با تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی آماده کند.» علاوه بر این «سیدجواد حسینی» که پیشتر سرپرست این وزارتخانه بوده و پژوهش‌های مختلفی در این زمینه داشته است، به درخواست «اعتماد» در یادداشتی به این موضوع پرداخته و تنبیه دانش‌آموزان را به عنوان «یک کارکردی مدرسه» بررسی و در پایان هم راه‌حلی ارائه کرده که در همین صفحه می‌توان این یادداشت را مطالعه کرد.

منبع: روزنامه اعتماد 2 دی ماه 1402 □□□□□□